



قسمت چهارم

محمد آذیر



راهنمایی و مشاوره تربیتی

فن مصاحبه

درفن مصاحبه اولین شرطی که لازم و ضروری است، ایجاد رابطهٔ حسنه با شخص مراجع است. مصاحبه کننده باید با جملات ملایم و درخور تحسین مصاحبه شونده را تشویق نماید و از بکار بردن جملات تند و خشن خودداری نماید. مصاحبه شونده بایستی با آزادی کامل و بدون احساس فشار و قضاوت اخلاقی مطالب خود را بیان نماید و مصاحبه گرنیز گوش دهد و تا پایان عبارت و جمله، هیچگونه پیشداوری ننماید. محیط و جو مصاحبه باید چنان باشد که شخص مراجع احساس نماید او را درک می کنند و مطالب او قابل فهم و قبول است. وقت صحبت کردن باید عادلانه بین راهنما و مصاحبه شونده تقسیم گردد، عبارت دیگر باید نصف مدت مصاحبه را به شاگرد اختصاص داد. برای ایجاد رابطهٔ عاطفی بین هر دو باید صمیمیت ایجاد گردد؛ مثلاً از رنجی که به شاگرد تحمیل شده اظهار تأسف کرد و به شاگرد اطمینان داد که مشکل او حل خواهد شد، تا امیدی در وی ایجاد شود.

— راهنما مطالب شاگرد را که مورد قبول است به زبان می آورد و آنها را تصدیق و تأیید می کند تا اطمینان بیشتری در وی حاصل گردد.

— گاهی مربی پرورشی برای تفهیم موضوع از تجارب شخصی خود و اینکه چگونه با مشکل روبرو شده و حل کرده است، مثال می آورد.

— شکل پرسش باید طوری باشد که شاگرد را به تفکر و تفحص وادار کند، تا نظرات خود را بزیان آورد.

— برای ایجاد رغبت در گفتار شاگرد بهتر است جملات ادا شدهٔ شاگرد را مجدداً بزیان آورد.

چگونه می توان شاگرد را به صحبت بیشتر وادار کرد؟

۱- سعی کنیم که از جملات پرشی استفاده کنیم؛ مثلاً اگر بپرسم «مثل اینکه شما در آینده می خواهی مهندس شوی»؟ جواب مثبت (بلی) می دهد و دیگر مصاحبه قطع می شود، اما اگر سوالی باشد مبنی بر اینکه «شما برای آیندهٔ خود چه نقشه ای

دارید؟» دیگر جواب یک کلمه نیست، بلکه شروع به صحبت کردن خواهد نمود.

۲- در مصاحبه باید از صحبت زیاد خودداری کرد تا شاگرد خسته نگردد و در صورت بروز حالات خاص عاطفی و احساسی خود که خیلی مشکل است با فرصت داده شود.

۳- گاهی در صحبت ها بین پرسشگر و شاگرد سکوت برقرار می شود که شاگرد به فکر کردن وادار شده و مصاحبه گر منتظر جواب است و بعضاً به مدت نیم دقیقه هم طول می کشد. باید سعی شود از این سکوت به نحو مطلوب بهره برداری کرد.

۴- اطلاعات کسب شده در هر مصاحبه محدود باشد تا شاگرد هنگام بیان عواطف خود احساس اضطراب و گناه ننماید.

۵- موضوع صحبت را باید تحت کنترل درآورد، مثلاً از شاگردان پرسیده شود: «خوب بحث ما دربارهٔ چه بود؟» تا شاگرد از حاشیه پردازی به اصل موضوع برگردد.

مصاحبه کنندهٔ دقیق، گاهی از حالت های چهره و سرخ شدن گونه و حرکات غیرعادی شاگرد سعی می کند که عامل

* تماس با والدین باید به صورت غیر رسمی و دور از همه تکلفات اداری باشد

درونی را دریابد، مثلاً از شاگردی که در این حالت قرار دارد، پرسیده شود که علت عدم علاقه شما نسبت به درس چیست؟ ممکن است جواب مورد انتظار را بشنویم و بیان همان حالت، موجبات آرامش خاطر را در وی ایجاد نماید.

پیشنهاد و رهنمودهایی برای ختم مصاحبه

ختم مصاحبه یکی از مهمترین مراحل مصاحبه است. مصاحبه کننده دودهدف را در این مورد دنبال می کند: هدف اول آن است که مصاحبه با موفقیت خاتمه یابد. هدف دوم آن که اگر مصاحبه به جلسه بعدی موکول گردد، باید مصاحبه شونده احساس آرامش و رضایت خاطر نماید. برای رسیدن به هدف اول، مصاحبه شونده باید با احساس رضایت کامل به نتیجه مطلوب برسد. چون مصاحبه شونده اغلب فسمنی یا تمام حقایق و وقایع را بیان می کند، ممکن است بعداً دچار اضطراب و ناراحتی گردد. برای رفع این مشکل نباید مصاحبه را تمام شده تلقی نمود بلکه کاملاً مصاحبه شونده را آزاد گذاشت تا در موقع مراجعه و بیان حقایق تا آنجا که امکان دارد فرصت بیان و گفت و شنود را ادامه داد. بعضاً اتفاق می افتد که مصاحبه شونده شروع به گریه کردن می نماید و علت آن اغلب مربوط به این است که اسرار خود را بیان کرده است، لذا در این جا مصاحبه پایان نمی پذیرد بلکه ادامه پیدا می کند که احساس ناراحتی و اضطراب کاملاً از بین برود.

اگر چنانچه مصاحبه طولانی شد و یا نیاز به جلسات متعدد داشته باشد، به نحوی مصاحبه را خاتمه دهیم که در مصاحبه شونده حالت نگرانی و دلهره ایجاد نگردد. معمولاً می گوئیم: «خوب امروز وقت تمام شد، برای فردا ساعت فلان آماده باشید.» ضمناً برای اینکه هدف بعدی مشخص باشد

به مصاحبه شونده گفته می شود که درباره موضوعی که صحبت شد خوب فکر و اندیشه کن و جوانب آن را بسنج تا در جلسه بعد روی آن صحبت شود. بدینوسیله مصاحبه شونده مطمئن خواهد شد که مصاحبه ادامه دارد و کسی هست که به حرفهای او گوش کند، راز دلش را با او در میان بگذارد و عقده های دل خود را بگشاید. لذا با احساس آرامش و راحتی قلب جلسه را ترک کرده و با رضایت کامل در وقت مقرر در مصاحبه بعدی شرکت خواهد کرد. حال این سوال مطرح می گردد که این همه مصاحبه و صحبت کردن با مراجع چگونه یادداشت و ضبط می گردد. برای این کار سه روش پیشنهاد می گردد:

- ۱- شاگرد خودش خلاصه مطالب را یادداشت و در پایان جلسه تحویل میدهد.
- ۲- مصاحبه کننده در حضور مراجع ثبت برداری می کند.
- ۳- مصاحبه کننده مطالب را به خاطر می سپارد و پس از ختم جلسه آنها را در فرم مخصوص ثبت می کند و برای استفاده در مراحل بعدی در پرونده شاگرد بایگانی می کند. از سه روش فوق، روش سوم بنا بدلائلی بهترین آنهاست؛ اولاً ثبت مطالب توسط خود شاگرد خالی از اشکال نیست و گاهی دوباره کاری برای شاگرد خوشایند نمی باشد و ثبت برداری در حضور مراجع هم درست نیست، زیرا حواس او پرت می شود و یا احساس ناامنی می کند و رشته موضوع و کلام قطع می گردد. اما روش سوم محاسن همه آنها را دارد. لازم به یادآوری است که بعلمت اشتغالات ذهنی مصاحبه کننده و یا انجام مصاحبه با فرد دیگری در مورد موضوعی دیگر، گاهی اشکالاتی در ضبط مصاحبه ایجاد می کند. برای رفع این

* در مصاحبه باید از صحبت زیاد خودداری کرد تا شاگرد خسته نگردد و در صورت بروز حالات خاص عاطفی و احساسی خود که خیلی مشکل است با فرصت داده شود.

نقیصه بهترین کار آن است که فاصله زمانی زیادی برای برداشت مطالب داده نشود. ابتدا نتیجه مصاحبه قبلی نوشته شود و بعداً به مسائل دیگر رسیدگی گردد. بعضی از دست اندرکاران استفاده از نوار و ضبط صوت را پیشنهاد کرده اند. این هم مناسب است منتهی بودجه و امکانات بیشتری از لحاظ نگهداری و بایگانی نیاز دارد.

مصاحبه با معلم

لازم به اشاره است که مصاحبه کننده

* برای مصاحبه با معلمان درایت خاصی لازم است؛ نحوه صحبت نباید بصورت آمرانه و یا تفوق طلبی باشد چه در این صورت همکاری لازم عاید نخواهد شد.

در موقع صحبت با مراجع، اطلاعات کم و بیشی را در مورد مشکل شاگرد کسب می کند و لیکن استفاده از اطلاعات خاصی از معلم یا معلمان مربوطه هم مصاحبه کننده را در این راه کمک کرده و یقین بیشتری از موضوع عایدش می گردد. برای مصاحبه با معلمان درایت خاصی لازم است؛ نحوه صحبت نباید بصورت آمرانه و یا تفوق طلبی باشد چه در این صورت همکاری لازم عاید نخواهد شد. به وقت مصاحبه باید توجه داشت که جوی را ایجاد نمود که معلم خود بیان حالات شاگرد را آغاز نماید. معمولاً هنگام استراحت در اتاق معلمان از خصوصیات مختلف شاگردان چه از لحاظ جنبه های مثبت و یا منفی با هم صحبت می کنند. باید توجه داشت که برداشت ها و دید همه معلمان در مورد شاگرد خاصی یکسان نیست ولی مصاحبه کننده می تواند از لایملی مطالب گفتگوها نکاتی را بدست آورد و با نکاتی که از شاگرد قبلاً حاصل کرده مقایسه نماید. معمولاً معلمانی که مدت زمان بیشتری با شاگردان کار می کنند و یا معلم، خود اشتیاق بیشتری برای شناخت

آنها ترا از هیبت مرگ می ترسانیدند، در حالی که تو با حضور رعب و وحشت را در دل آنها می انداختی و بر مرگ خونین نسیم می کردی، و همین لبخندهای تو بود که به گناه رفتن، اشکها بر چشم طاغوتی آواره نشانده. اگر تبسم تو نبود، کی اشکی از چشمان ظالمی خون آشام جاری می شد، آیا نباید آن لبخند را تقدیر کرد؟

آری خنده تو بود که گلوآزه های تکبیر را در جای جای قلنها و بر بلندای مأذنه ها نشانده، و اسلام را جانی تازه بخشید، بیاد دارم که چگونه با شب ستیزه آغاز کردی، می دانستی که جز با نوری به جنگ ظلمت نباید رفت، و تو نور را از اوبه ارمغان گرفتی که او خود نور آسمانها و زمین است، «الله نور السموات والارض».

آگاه بودی که جز با اطمینان قلب نمی توان پای به میدان نهاد. لذا ذکر خدایت را بر لب داشتی، چرا که بر این آیت الهی ایمان داشتی و رمز آرامش را در آن یافته بودی و مدام با خود زمزمه می کردی و می گفتی: «الا بذکر الله تطمئن القلوب». به رهبری که رکن اصلی حرکت می باشد. چشم می دوختی و به طریقی که هدایت می نمود می رفتی، فریادت هم آوا با او بود و شعارت شعار او آرمانهایت ترسیم شده با قلم تدبیر او، هم او که اندیشه هایش از زلال معرفت الهی سیراب گشته است. و بعد از سالها دوری و تحمل رنج تبعید به میهن بازگشت و استقبالی که از آن رهبر معظم به عمل آمد و تو نیز در آن حضور داشتی که به بزرگترین استقبال تاریخ شهرت یافت. ترا خوب می شناسم، تو رنج سالهای سیاه حکومت شاهان را وراثت بودی، تو محرومیت های فراوان دوره حکومت ظالمان را با سختی ها تحمل کردی و چون بانگ آزادی سر می دادی یا کنج زندان بودی و یا

چگونه است؟ آیا از خانواده مرفه یا فقیر هستند؟ ضمناً باید این اعتماد را ایجاد کرد که تمام بحث ها و گفتگوهای بین مصاحبه کننده و والدین معرمانه است. بعضاً والدین انتظار دارند که از وضع تحصیلی و رفتاری سایر دانش آموزان همکلاسی فرزند خود نیز اطلاعاتی کسب کنند. باید با نکته سنجی و با درایت کامل والدین را متقاعد کرد که همانطوریکه کسی حق ندارد از کم و کیف مسایل مطرح شده آن ها با دیگران حرفی بزند، بحث آن ها هم در پیش اینها جایز نیست.

ضمن مصاحبه با والدین مقاصدی به این صورت عاید می گردد:

آیا شاگرد نامادری و یا ناپدری دارد؟ فرزند بزرگ و یا فرزند کوچک خانواده است؟ ارتباط والدین با او چگونه است؟ آیا تکالیف و مسایل او را جدی می گیرند یا موضوع را ساده می انگارند و به اصطلاح در کار خودشان فرو رفته اند؟ شناخت هر کدام از مسائل مطرح شده می تواند دریاری رساندن به شاگرد مؤثر واقع شود. مصاحبه کننده مجرب برنامه را طوری ترتیب می دهد که در مراحل بعدی نیز والدین با رغبت مصاحبه خواهند کرد.

شاگردانش دارد و یا در حالات آزاد مثل فعالیت های ورزشی و هنری کار می کنند شناخت نسبتاً مناسبی از شاگردان دارند، رفتار مصاحبه کننده باید طوری باشد که مبدا معلم فکر کنند که دخالت در روش تدریس یا نحوه عملکرد آنها است. چون در این صورت هیچگونه معاضدت و همکاری را نمی توان از آن ها انتظار داشت و در واقع مربی پرورشی را مخالف رویه و عملکرد خود خواهند دانست.

مصاحبه با والدین

شناخت واقعی شاگرد در ارتباط و مصاحبه با والدین آنها است. در تماس با والدین نکته ای که مهم است آن است که شاگرد از تماس والدین و مصاحبه کننده باید با خبر باشد، در غیر اینصورت مشکلات دیگری حاصل خواهد شد. تماس با والدین باید به صورت غیر رسمی و دور از همه تکلفات اداری باشد. باید توجه داشت که ارتباط با والدین و مصاحبه با آن ها سبب می شود که از وضع روابط والدین با هم و با سایر فرزندان و متقابلاً با دانش آموز مصاحبه شونده با خبر شد. اینکه اقتصاد خانواده

فرم خلاصه مصاحبه.....

نام..... نام خانوادگی..... سن.....

پایه تحصیلی.....

بوسیله کسی معرفی شده احضار شده
شخصاً مراجعه کرده اگر بوسیله کسی معرفی شده،

سمت و نام او چیست؟

علت معرفی چه بوده است؟

تاریخ مصاحبه قبلی.....

شرح خلاصه ای از مشکل مراجعه.....

خلاصه مصاحبه

نتیجه.....

تاریخ مصاحبه تاریخ مصاحبه بعدی

نام مصاحبه کننده

امضاء

بیرون از دایره حیات دنیوی.

ظلمهایی که بر تومی رفت، تنها خواست مستبدان درونی نبود چرا که آنها هم ظالم بودند و هم مجری خواسته های ستمگران بیرون، پس ستمی که بر تومی رفت ستم مضاعف بود.

تو نیز به یاد داری که آن ستمهای بیشمار چه بود. اما چه کنیم که قلم از نوشتن تمامی آنها عاجز و اندیشه از زیاد آوردن انبوه ظلمها قاصر است، در آن زمان وقتی که با چشم بصیرت می نگرستی، تعدد مظالم را می دیدی، اگر چه بسیاری از آنها در خفا صورت می گرفت، تا چهره پلید ستمگران عیان نگردد، ولی با این حال ستمهای فراوانی هویدا و آشکار بود. و با اندکی تأمل فریاد در بند کشیده شدگان را که حامیان حق بودند، در می یافتی. و ضجه های آنان را در زیر گلوله های نوکران حلقه به گوش بیدادگر می شنیدی، بدنهای آنان را که سخت مضروب شده و پاهایشان را که جراحاتی عمیق برداشته و توان راه رفتن را از آنان سلب کرده بود. و سوزاندن بدنهایشان و نواختن شلاق و سیم کابل را بر تن هایشان به یاد داری، تومی دانی از چه و از کجا می گویم، تو دریاچه نمک و فریانی که زنده زنده با دستهای بسته و از ارتفاع بالا به درون آن پرتاب می شدند، به خاطر داری. چرا که هنگام عبور از آن حوالی مکی می کردی و فاتحه ای می خواندی.

در سینه تو هنوز یاد آن روزها زنده است که چگونه هر روز بیش از روز قبل سرمایه استقلال را به تاراج می بردند، و حامیان استقلال را تبعید و زندانی می کردند، و تو آن تبعیدها را به خاطر داری.

دوستاناران اسلام و وطن نفی بلد شده و در بند کشیده می شدند و با در عین حضور در جامعه محرومیت ها و رنج های عدیده را تحمل می کردند و دشمنان وطن آن قدر آزاد که تا هر چه توان داشتند وطن فروشی کنند.

توراههای نفوذ استعمار کهنه و نورا می دانستی، حضور مستشاران و مزدوران آمریکارا به یاد داشتی، تاراج ثروت های ملتی

محروم ترا می آزد، گشودن سفارت اسرائیل قلبت را جریحه دار می ساخت و خلاصه آن همه هزینه هایی که صرف خوشگذرانی های خانواده هزار فامیل می شد؛ و گاه تو از دسترسی به نان شب محروم بودی، و به گاه فریاد غم تمامی این رنجها را بدل داشتی.

اعدامها، شکنجه ها، تحقیرها، توهین ها، به ابتذال کشیدن فرهنگ و دین زدائی و وطن فروشی و اطاعت از بیگانه و وجود خفقان ها، خیانت ها و حیف و میل اموال بیت المال و سفرهای تفریحاتی پر هزینه و در کنار آن انبوه فقیران و مستمندان، همه ترا بر آن می داشت که فریادی زعدآسا سر دهی و با طنین فریاد آزادی را برای ملتی به ارمغان آوری.



تو کیستی؟ مراد از تو، همه کسانی هستند که در این راه گام نهادند، و با ایتار خون خود نهال آزادی نشانند. و تو، در واقع تصویری از همه شهیدان هستی، که خود زنده هستند و آزادی ملت هدیه آنان است که تقدیمان کرده اند.

هنوز ترا و خون ترا بیاد دارم اگر چه ده سال از نخستین بهمن خونین می گذرد. و بیگانه ها سعی کردند از راههای گوناگون، مهارت را از دلم بزایند آنها با ایجاد محاصره اقتصادی، تحمیل جنگ، و فشارهای سیاسی و هر آنچه که توان انجامش را داشتند می خواستند مرا از آرمانهای تو جدا کنند. ولی اذعان می کنم که موفق نگشته اند، هنوز تصویر پنجه آغشته به خون

برادری که همراه تو بود. و بعد از شهادت تو، دستهایش را از زیر سر خونینت برداشت و آنها را به سوی آسمان بالا برد و چون شفق سرخ در مقابل چشمان مردم مبارز قرار داد، در برابر دیدگانم هویدا است.

برادری که لحظه ای بعد دستهای خود را به دیوار سنگی زد و اثرات خون تو اگر چه سالها از آن می گذرد همچنان بر بلندای دیوار نقش بسته و هر وقت از آنجا می گذرم آن را می بینم. آن زمان که در میدانهای رزم حضور می یافتم، سرخی خون ترا بیاد داشتم، و از آن دفاع می کردم، و هم اکنون که می توانم در مقابل توطئه های ابرقدرتهای شرق و غرب با قامتی بلند و افراشته بایستم و در مقابل آنها «نه» بگویم، همه حاصل درسی است که از تو آموختم. و تو نیز آن را از حسین (ع) بزرگ معلم شهادت فرا گرفتی.

امروز که می بینم حتی مستضعف ترین مردم میهنم با بلندترین آوا، فریاد مرگ بر آمریکا و مرگ بر شوروی را سر داده و هراسی نیز به دل راه نمی دهند، باز سرخی خون تو در خاطر من زنده می شود. آری تو هستی، تو در همه جا حاضری، تو شهید و شاهد هستی، سرخی شفق ترا به یادمان می آورد و سرخی پرچم خونریزان سخن از تو دارد. و سرخی لاله نشانی از توست، رنگ احمر خون لبنانی ها و فلسطینی ها و مبارزین مسلمان افغانستان و مصر و سیاهپوستان محروم و همه مسلمانانی که به شهادت می رسند، همه خاطره ترا در دلهایمان جاودانه می سازند. و گلهای شقایق نیز یادآور تو هستند. و دیگر گلهای سرخ به گاه بر پر شدن، ترنم آوای شهادت ترا زمزمه می کنند. تو نیز از ما می خواهی که یادت را زنده نگه داریم که رمز زندگیت، و به گاه تعلیم سخن از مقابله با دشمنان گوئیم و دشمنانت را فراموش نکنیم و حیات را عقیده و جهاد بدانیم. و چون حسین (ع) و حسینیان، همچنان در زمرة قیامت برافراشتگان وادی سرخ شهادت باشیم و پاسدار، ارزشهای الهی های شهید.

محسن ایمانی